

## نکاتی درباره ساختار دستوری نثر اعجاز خسروی امیر خسرو دهلوی

ثریا پناهی

استادیار بازنشسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

panahi.soraya@gmail.com

چکیده:

در این مقاله به طور نمونه ساختار برخی عناصر دستوری مانند فعل و برخی ویژگی‌های دیگر متن *اعجاز خسروی*، پنج ر ساله توامان از امیر خسرو دهلوی، ادیب و شاعر قرن هفتم و هشتم شبه قاره از منظری زبان شناختی توصیف می‌شود. *اعجاز خسروی* یکی از نمونه‌های نثر فنی فارسی هندی است که حائز برخی مختصات صرفی دوران خود و متأثر از سبک نثر دوران خوارزمشاهی و از جمله مکاتبات رشیدالدین وطواط، یکی از متون مطرح منشیانه و انشانویسی در شبه قاره بوده است. امیر خسرو دهلوی که به طوطی هند اشتهار دارد، در قرنی می‌زیسته که جلال‌الدین محمد رومی (وفات: 672ق) و سعدی شیرازی (وفات بین 691-695ق) می‌زیستند. در اینجا، بررسی برخی عناصر دستوری *اعجاز خسروی*، مورد نظر است. در رفتار صرفی افعال، حفظ و ثبات صورت و ساختار فعل بسیط و نیز تحول یا گرایشی در زبان در جهت تشکیل افعال مرکب مشهود است. پیروی از الگوی اثری مانند *گلستان سعدی* در سبک نگارش و بخش بندی کلام آهنگین، تقدم افعال در برخی جمله بندی‌ها و نیز کاربرد صنایع لفظی، به ویژه تلمیح، تلفیق عبارات عربی و فارسی، در *اعجاز خسروی*، همه دیده می‌شود. زبان نثر برخی از مکاتبات در *اعجاز خسروی* ادبی است یعنی کاربرد صنعت‌های ادبی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز از ملزومات آن بود است، که در جای جای متن به چشم می‌خورد.

کلمات کلیدی: *اعجاز خسروی*، فعل، نثر فارسی، شبه قاره

### 1. مقدمه

#### 1-1 بیان مسئله و سوالات تحقیق

دوره‌ای که فارسی‌زبانی متداول در سرزمین شبه قاره بود و به لحاظ زبان شناختی ویژگی‌هایی خاص شبه قاره‌ای پیدا کرده بود، در قالب نثر سبک هندی نیز آثار پر شمار نوشته شد، همان طور که در گونه ادبی شعر و نظم نیز اشعاری فراوان سروده شد و نسخه‌هایی از این متون در کتابخانه‌های گوشه و کنار آن سرزمین پهناور نگه‌داری می‌شوند. یکی از این آثار *اعجاز خسروی امیر خسرو دهلوی* (725-651ق/1253-1325م) است که در این مقاله برخی ویژگی‌های ساختاری و دستوری این نثر فارسی بررسی می‌شود.

## 1-2 اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از این پژوهش، توصیف برخی از ویژگی‌های دستوری نثرسبک هندی در متن *اعجاز خسروی* امیرخسرو دهلوی (725-651ق/ 1253-1325م) است. یکی از آثار تاثیرگذار در نثرنویسی فارسی در قرن هفتم و هشتم هجری در شبه قاره که شواهدی از آن، برای توصیف برخی عناصر دستوری مانند فعل و انواع آن و برخی ویژگی‌های دیگر در نثر فارسی هندی از منظری زبان شناختی بررسی می‌شود. مبنای این توصیف در بخش بررسی ساختار فعل و ملاک بررسی، استناد به مفاهیم و تعاریف ساختار فعل در فرهنگ توصیفی *دستور زبان فارسی* تالیف علالدین طباطبایی (1395) است و درباره دیگر مختصات نثر آن رجوع به آرای محققان معاصر نظیر قاسم توپسرکانی (1338)؛ محمدحسین مشایخ فریدنی (1366)، و منصوررستگار فسایی (1389) در بررسی‌های متون فارسی آن روزگار بوده است.

## 1-3- پیشینه تحقیق

درباره مسائل زبانی و ویژگی‌های دستوری نثر فارسی شبه قاره ای یا گونه فارسی هندی، که گویشی تاریخی در شبه‌قاره بوده و نیز درباره سبک نثر آن پژوهش‌هاکم است برخی از آنها به این شرح است:

- نذیراحمد (1371) در قندپارسی در مقاله ای به بحث ذال معجمه در دوره اسلامی و پس از قرن هفتم و در هندوستان در قرن یازدهم و قرن سیزدهم پرداخته است. نظر ایشان با غالب دهلوی هم رای بوده است.
- ماه جبین عمر (1387) در کتابی با عنوان *ترکیبات خاص بیدل در چهارعنصر* که در دهلی‌نو به چاپ رسید، تعداد چهارصدوی ترکیب را گردآوری و از نظر دستوری و لغوی به بررسی آن پرداخته است.
- سولماز مظفری و سوده مظفری (1392) در مقاله ای با عنوان «بررسی گونه‌های برجسته سازی قاعده افزایی در غزلیات بیدل دهلوی»، به برخی شگردهای برجستگی زبان در سروده‌های وی پرداخته و فرایند گونه‌های برجسته سازی زبانی را بررسی کرده اند.

## 2- بحث و یافته‌های پژوهش

سبک در زبان شاعر یا نویسنده متبلور می‌شود و بن مایه اصلی در هر دوره زبانی، زبان معیار آن دوره است. برای شناخت زبان معیار، هنگامی که سخن درباره قرن‌های گذشته باشد، چنین به نظر می‌رسد که متون منثور هر دوره‌ای معتبرترین ملاک در دسترس هستند؛ نکته در خور توجه نیز این است که میان متون منثور و شعر و حتی میان شعر و زبان معیارسندی نفوذناپذیر وجود ندارد و این دو مدام در داد و ستدند، یا عناصر شعری به زبان منثور وارد می‌شوند و نثر شاعرانه می‌شود و یا بیشتر تعبیرات شاعرانه به کنایات و امثال سایر تبدیل می‌شوند و خصلت شاعرانگی را از دست می‌دهند. بنابراین مرزروشنی میان کلام منثور و شعر دوره‌های ادبی نمی‌توان قائل بود؛ از طرفی زبان‌های معیاره‌دوره ای

پیوستاری می‌سازند که نمی‌توان آن را با برش‌هایی مشخص دوره‌بندی کرد. هراثرابی، علاوه بر ویژگی‌های سبک فردی، متأثر از خصلت‌های سبک جمعی و دوره‌ای نیز هست [سمیعی 1388: 582-583].

دربرسی سبک‌های نوشتاری (نثر و نظم) توجه به سیر رویدادهای تاریخی اجتناب‌ناپذیر است زیرا مسائل زبانی و ادبی با مسائل غیرزبانی رابطه دوسویه و تاثیر گذار دارند.

در عصر غزنویان ارتباط خراسان با بغداد بیشتر شد و توجه بر زبان تازی معطوف گردید [بهار 1369: ج 2/ص 62-64]. با فتوحات سلطان محمود غزنوی در پنجاب، سند و گجرات، مرکز حکومت غزنویان از غزنه به لاهور انتقال یافت و در اواخر دوران غزنوی لاهور و ملتان به مراکز اصلی علم و فرهنگ تبدیل شد [مجتبائی 1384: ص 399-402]. قرن ششم را به لحاظ سبک‌شناسی قرن نثر فنی دانسته‌اند. در نثر مانند شعر صنایع لفظی و سجع‌های مکرر و کلمات و الفاظ عربی؛ شواهد شعری فارسی و عربی و تلمیح به کار می‌رفت. نثر فارسی در این دوران، ویژگی‌های خاص نثر فنی را داراست، یعنی فراوانی کلمات و ترکیب‌های عربی، استشهاد به آیات قرآنی و حدیث و شعر و مثل. گاه اطناب و توصیف نیز مشهود است. نمونه آن *کلیله و دمنه* ابوالمعالی نصرالله منشی قابل ذکر است [رستگارفسائی 1389: 449-450]. 451.

انواع مختلفی از نثر در دوره‌های زمانی مختلف متداول بود، مثلاً برای دوره‌های زمانی مورد نظر یعنی قرن‌های هفتم و هشتم، یکی از انواع سبک‌های نثر، نثر فنی بوده است؛ در این شیوه، متن دارای مقدمه‌هایی است با گونه‌های نثر ادبی که به تصنع‌گراییده و لفاظی‌گانه به اطناب نیز کشیده است، خصوصیات آن که در متن *حدائق السحر رشید و طوطا و التوسل الی التوسل* بهالدین بغدادی نیز دیده می‌شود. این دو خصیصه در اعجاز خسروی نیز قابل مشاهده است [رستگارفسائی 1389، 465، 466]؛ برای اطلاع بیشتر درباره سبک نثر: غلامرضایی [1388: 597-591] همان‌طور که استاد نذیر احمد درباره اعجاز خسروی گفته: «این کتاب در توضیح نثر مزین و مرصع و روش کاربرد انواع صنایع و بدایع نوشته شده است» [نذیراحمد، 1384: 611].

## 2-1 نثر فارسی در هند

در اولین قرن‌های رسیدن اسلام به هند، زبان دری (فارسی) با زبان‌های هند ممزوج نشده بود و مردم خراسان و ماورالنهر و اقوام ترک که به هند رفته بودند؛ زبان دری را به اعتبار زبان گفتاری و زبان فرهنگ به کار می‌بردند و زبان‌ها و گویش‌های هندی نیز زبان گفتاری دیگر مورد تکلم مردم آن سرزمین بود. یعنی زبان‌های گفتاری بیش از یکی بود و این دوزبانگی در برخی خانواده‌های مهاجر از افغانستان به هند نیز وجود داشت. امیر خسرو که خانواده‌اش از مردم خراسان تاریخی بودند، زبان هندی (اودهی) را در محیط هند فراگرفت و علاوه بر فارسی، اشعاری به هندی نیز سروده است. بنابراین او شاعر و نویسنده‌ای دو زبانه بود [اروان‌فرهادی، 1353: 4].

امیر خسرو دهلوی که به طوطی هند اشتهار دارد، در قرن می زیسته که جلال الدین محمد رومی (وفات: 672ق) و سعدی شیرازی (وفات بین 691-695ق) می زیستند؛ شاهد رواج فارسی در آسیا، در این قرن وجود همزمان مولانای روم در قونیه و فخرالدین عراقی در ملتان، شام و امیر خسرو در دهلی بود؛ قرن که دوران کمال و اوج و عظمت زبان فارسی دری محسوب می شد، زیرا بیشتر مسلمانان آسیا با فارسی آشنا بودند و بدان می نوشتند و می سرودند و از سویی دیگر این زبان مشترک مسلمانان غیر عرب بود و در آسیا کاربردی بیش از زبان عربی داشت و در هندوستان نیز زبان مشترک مسلمانان بود. در نظامیه های لاهور، دهلی، ملتان و در همه مراکز علمی و دینی تعلیم و تعلم و ارشاد به فارسی بود. غیر از مکالمات روزمره که به گویش های بومی بود، در سایر شئون زندگی از قبیل سندنگاری، وقف نامه ها و نامه نگاری های رسمی شاهان و امرا و بخشنامه ها و زبان شعر شاعران، همه به فارسی دری بود [مشایخ فریدنی، 1366، 26-27]. استاد هندشناس فتح الله مجتبائی درباره تاثیر زبان فارسی چنین گفته است:

«زبان و ادب فارسی موثرترین عامل در حیات فکری، و ذوقی مسلمانان شبه قاره هند و پاکستان بوده است و نه تنها در نظم و نثر و اشکال و اسالیب ادبی، بلکه در ساختار زبان شناختی و مجموعه واژگان... تاثیر تمام داشته است... در آواشناسی و مجموعه اصوات و نیز در ساختار صرفی و نحوی و ترکیبات لفظی این زبان، تاثیر ویژگی های زبان فارسی مشهود است. در زبان اولیه هندی، پیش از ارتباط و آمیزش با فارسی، مجموعه واک های صامت و مصوت همان هایی بوده است که در سنسکریت و پراکریت شوراسنی وجود داشته است» [مجتبائی، 1375: 546-547]

## 2-2. اعجاز خسروی

متن های نظم و نثر فارسی، به ویژه متون فارسی تالیف شده در حوزه جغرافیایی شبه قاره، شواهدی قابل استناد در بررسی های زبان شناسی متون فارسی اند. از جمله آثار درخور بررسی، در این زمینه، رسائل پنج گانه / اعجاز خسروی است. *اعجاز خسروی* تالیف معروف امیر خسرو دهلوی، شاعر و نویسنده پرآوازه فارسی گوی ترک تبار است. پدرش امیر سیف الدین محمود پس از حمله چنگیز، همراه قبیله خود از بلخ به هند کوچید و با دختر یکی از اعیان هند ازدواج کرد و امیر خسرو یکی از فرزندان حاصل این وصلت بوده است [مشایخ فریدنی، 1366: 27].

امیر خسرو صاحب تصانیف پر شمار، از جمله آثار منظوم ارزنده ای بوده است، در اینجا، بررسی برخی عناصر دستوری / اعجاز خسروی، تالیف ماندگار او به نثر مورد نظر است. وی چهار رساله نخست / اعجاز خسروی را در 682ق / 1283م نگاشت و سپس پنجمین رساله را در 719ق بر آن افزود [نذیر احمد، 1384: 611] اثری که در حقیقت، نوعی دایره المعارف ادبی و علوم بلاغی و از شانویسی در قالب پنج رساله به شمار می آید [نو شاهی، 1391، 2 / 1235] برخی نیز گفته اند که این کتاب مشتمل بر قواعد نه گانه نثر فارسی است [زمانی، 1993: 2]. هدف امیر خسرو از تالیف مجموعه رسائل / اعجاز خسروی، نوشتن اثری برای راهنمایی و هدایت در انشا و نگارش بوده؛ هر چند درباره شعر و ادب و صنایع لفظی و معنوی نیز، مطالبی فراوان دارد. بسیاری از دبیران و منشیان و نویسندگان در دوران اسلامی هند تا پیش از

نفوذ زبان انگلیسی متأثر از این اثر امیر خسرو بوده اند [روان فرهادی، 1353: 183-184]. برای اطلاع بیشتر درباره مطالب پنج رساله اعجاز خسروی، [نک: سجادی و نذیراحمد، 1384: 460-62]

اعجاز خسروی امیر خسرو، از اولین رساله‌هایی است که درباره هنر نامه نگاری، انشا، بلاغت در شبه‌قاره نوشته شده است. نوشته‌ای که هرچند به سبکی سنتی بود، اما تألیف آن موجب نوآوری‌های درنثر شد و به تدریج در محیط اجتماعی و فرهنگی هند سبکی جدید در نثر پدید آمد. این سبک مبهم، اما برای اهالی ماوراءالنهر و خراسان خوشایند بود. امیر خسرو تلاش می‌کرد که تا سبک خاص خود را در انشانگاری و مکاتبات که ترکیبی از ایهام و خیال بود و آن را اصطلاحاً سبک<sup>۱</sup> می‌نامید، معرفی کند. خسرو این سبک را به روانی آب مانند و توصیف می‌کند. معجزه‌ای که خسرو در سبک خویش پدید آورد، به قول خودش، مکاشفه‌ای ظریف (وحی مخفی) در رسائلش بود؛ در حقیقت، جادویی از کلمات و جناس که شکوفایی آن در آثاری شاعران بعدی مانند ظهوری، ابوالبرکات منیر، نعمت خان عالی و میرزا عبدالقادر بیدل ظهور یافت. سبک بومی نثر آمیخته به هنرهای ادبی (کلامی) که در دوران خسرو ریشه گرفت و توسط نویسنده‌گان بعد شکوفا شد. با آنکه سبک قدیم نثر فارسی استادان به تدریج منسوخ می‌شد، اما به طور کامل کنار گذاشته نشد، مثلاً در برخی دوره‌ها افرادی از سبک نصرالله منشی و وصاف تبعیت کرده‌اند [محمی‌الدین، 1960: 21]. در شالوده و بافت سبک انشا که ساخته و پرداخته استادان بود، نفوذ و غلبه عناصر عربی و کاربرد ساخت‌ها و عبارت‌ها و جملات عربی مشخصه اصلی در سبک انشا بود و بر منشیان واجب بود که از سبک مرسوم و متداول استادان متقدم پیروی کنند و لازمه آن خلاقیتی در کاربرد هر دو زبان عربی و فارسی و نبوغ و ابتکار منشیانه بود. تلفیقی از عطر و بوی صندل عجمی و مشک عربی و نیز اشراف ژرف بر متون عربی کلاسیک و توانایی در درک و فهم شعر ابوتمام، ابو فراس، متنی و آثار نثر صاحبی، عتبی، همه از لوازم آن محسوب می‌شد [محمی‌الدین، 1960: 22-23]. در شبه‌قاره رشیدالدین و طواط، دبیر اتسز و ایل ارسلان خوارزمشاه و بهاءالدین بغدادی، منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه به عنوان مدرسان ادبی مطرح بودند و کتاب‌های آنان کتاب‌های استاندارد و معیار در هنر مکاتبه و انشانگاری به شمار می‌آمد. آثاری که همچون کتابی مرجع بسیار پر طرفدار بوده است [محمی‌الدین 1960: 20-21].

اعجاز خسروی نثر مصنوع رایج در آن زمان است که در باره اسالیب نثرنویسی و قواعد و صنایعی که هر صنف و گروه از نویسندگان باید رعایت کنند، تألیف شده است [مشایخ فریدنی 1366: 29].

پیروی از الگوی اثری مانند گلستان سعدی در سبک نگارش و بخش بندی کلام آهنگین، تقدم افعال در برخی جمله بندی‌ها و نیز کاربرد صنایع لفظی، به ویژه تلمیح، تلفیق عبارات عربی و فارسی، در اعجاز خسروی، همه به سبک نثر گلستان سعدی می‌ماند. در تائید این نکته می‌توان به گفته‌ای از مشایخ فریدنی اشاره کرد، این که، شیخ اجل سعدی در سفینه اشعارش که آن را در پاسخ دعوت سفر به ملتان، به شاهزاده علاءالدین محمدقان الملک امیر سند تقدیم کرده

۱. سبک با اول مکسور نام آشی است که از سرکه و برنج پزند. (فرهنگ جهانگیری، ذیل سبک)



بود؛ با خط خوش خویش او را به تشویق امیر خسرو توصیه فرموده بود. ظاهراً خود امیر خسرو نیز سعدی را استاد خویش در سخن می دانسته است [مشایخ فریدنی، 1366: 28-29].

### 3-2-3- توصیف و تحلیل ویژگی های نثر اعجاز خسروی ( بررسی شواهدی از متن)

شواهد رساله اول و دوم از نسخه چاپ سنگی موجود در کتابخانه دایره المعارف بزرگ اسلامی استخراج شده که در سال 1876 میلادی چاپ شده است و داده های رساله های سوم تا پنجم از اسکن نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت 87288 فراهم آمده است.

#### 1-2-3- رساله اول :

\_\_ دیباچه ...: هذالکتاب بفضل الله ذی الکرّم انشأت سحرالصیدالجن والنسم... حرف اول زقلم نسبت یافت نسبت اول زقلم یافت رقم... حمدی که در سواد آن ابداء سر قلم بگردد و ثنایی که در سودای آن خالد ادهان دوات بازماند. نقش بند دیباچه کاف ونون و ورق گشای سپهر بوقلمون را که سرنبشت مردم از قلم به حکمت اوست و سرنبشت قلم از مردم هم به حکومت او. نامه هیچ عبارت با کتاب کریمش باز نخواند و خامه هیچ استعارت در کلام قدیمش حدیثی گفتن نتواند... [امیر خسرو، 1876: 3/1].

\_\_ حرف ششم در ترک پیرایه های لفظی نسبت لعل و در و زیورها؛ آنکه پیش از این در طرزهای مصنوع صنعت لفظی را زیور عبارت می ساختند و آوردن ترصیع و توشیح و تصحیف و تجنیس را کاری شگرف می پنداشتند. اگرچه بنده نیز مراسلات قدیم خود را بسیار جای از آن حلال آرایشی داده است در طرز این ترسل از آن همه اوراق مهره برچیده که هیچ آبگینه لفظی را نگینه عین عبارت نسازد مگر جایی بر سبیل ندرت که لفظی جای معنوی تواند داشت چنانکه در بعضی محل مینا نام زمرد را روشن کند نظائر و امثال این بیان گوهریت اینجا دری از درجی؛ باقی در قسم مصنوعات موشح و مفصل پیش نظر ناقدان خواهد گذشت... [همان 78/].

-... معلوم ارباب فضل باد که درین بساط پای ادب می باید نهاد والفاظ عربی را در پارسی به یک معنی بر آن نسق که در مکاتبات قدیم ربط می دادند نداد (نباید داد) لفظی می باید آورد متضمن دو معنی و بلک سه و چار هر چه بیشتر بهتر چنانکه لفظ جانی هم میوه چین است و هم گناه کار و هم در پارسی دوست جانی یا یار جانی. این را در محلی صرف کند که هر سه معنی در دست بخیزد چنین که گویند میوه شاخسار لطف برای دوستان جانی است، درین صورت هم معنی میوه چین پخته و درست افتد و هم گناهار و هم دوست جانی [امیر خسرو، 1876: 1/84].

#### 2-2-3- رساله دوم:

\_\_ ... خط دوم در مکتوبات اصحاب مناصب دیوان و کتبه و دیگر اصحاب اشغال مشتمل بر دو حرف؛ حرف اول در مکتوبات اصحاب مناصب دیوان و کتبه مانند مکتوب وزیر و نسبتش از تحریر. دیباچه درین نامه آنچه به رشته دفتر بر دست دارد،

همه تعلیق یافته است و چون در جملگی اشغال دیوانی نسبت بریک سیاق است به اسم هر صاحب منصبی مکتوبی جداگانه عقد نشد مگر در شغل نظر که در آن جز نسبت تحریر نسبت عینی نیز منظور است، پس به ضرورت نامه ناظر علی حده سواد کرده آمد تا وجه خواجه نیز کفایتی بود به عینه روشن گردد... [امیر خسرو، 1876: 40/2].

حرف دوم در نسبت هایی که پارسی بی‌آمیزش بود. دیباچه این گفتار به پارسی ناب آراسته گشت و زبان تیزی از این نامه چنان بریده شد که از زبان تیزی نامه و این نموداری است برای چاشنی گیرانی که پختگی های پارسی را از تیزی های بسیار چاشنی دهند تا خوش آیند و نماید. در آن سخن نیست که از پلپل (=فلفل) و آدرک (= زنجبیل) خورش های خوش می شود و بی هنرمندی اینجا پیدا آید که در پختن سخن پارسی به آب و نمک انگیزش بس کنند و چون از جفرات ( لغت سمرقندی به معنی ماست) پنیر و از شیر روغن بیرون می‌آید برای چرب و شیرین، بغدادی جگر پالوده نگرداند. بنده را خود در انگیخت نیرومند نیست به پارسی بی‌آمیزش، چندان که خواهم بنویسم که زبانم هرگز به تیزی نیازمند نگردد اما چون دانایان لاف خردمندی می‌زنم. شاهراه فراخ به انبوهی اندیشه بر خویش تنگ کردن از خردمندی دور بود؛ برای گفتاری که گفتم گواه راست، نخست کلک من است و دوم همین نامه... [امیر خسرو، 1876: 174-173/2].

### 3-2-3- رساله سوم:

نامه ای در اصطلاح منطق نسبتش هم ز منطق است. تمام دیباچه نامه منطق در ذهن محققان حقایق معانی معلوم و محقق است که در تقدیم ایام ارباب انشا به اصلاح و الفاظ قوانین نامه و مثالی کم تحریر کرده اند و این قضیه که در ظاهر مکتوب حکایتی مطابق عرض مرتسم کرد و ضمنا مقدمات منطق ترتیب پذیرد چنانکه صغری گویند و مراد از آن وصف زنی باشد و اصغر نویسند و نام بنده کمتر احداث پذیرد، اگر برفضولی حمل نشود و این نیز وضعی شد خاصه کاتب؛ که متقدمان با آنکه قوت آن داشته به عمل نیاوردند و متاخران را مقدمه تعلیم گشت چون دانش کاتب در قضا با منطق نه بدان غایت است که منطق عزیز را از خواریشناسد... [امیر خسرو، 3: برگ 64 الف- 64 ب].

### 3-2-4- رساله چهارم:

این است بنا سیوم، اینک بنا سیوم زکات است. قال الله تعالی و اتوالزکواه بدانک زکوه از دویست درم پنج است هر که این پنجه از آستین خویش بیرون کرد با جوانمردان راه خدا توان گفت هم دست و هم پنجه نیز. این بیانی بود ظاهر اما در این معانی رمزی از رقم تحریر نیز روشن شده است، براین جمله که دویست سیاق شکل مال دارد<sup>۲</sup> و میم شکل صفر هندسه رمز این است هر که از مال خویش صفری در راه خدا دهد یقین است که دستور کرم محرر او گردد. رمز دیگر این است که میم مال شکل پنج دارد و مال شکل دویست و الف و لام بی میم شکل هزار. پس اگر میم که شکل پنج دارد از مال کم کنند، الف لام ک شکل هزار دارد باقی ماند. نتیجه انگیخت اول باری لطیفه است عجیب که چون پنج

<sup>2</sup> اشاره به علم سیاق و سیاق نویسی است که حروف آن بیانگر ارقام هستند. مثلا شکل یا کلمه سیاق رقم 200، کلمه «مال» است.

از دویست کم کنند هزار شود اما خلاصه معنی آنکه هر که پنج از دویست در راه خدا نفقه کند هر چه از آن دویست باقی ماند هزار شود. بیت و این نیست عجب که از خداوند \* که پنج دهی هزار یابی \*... (امیر خسرو، 4: برگ 95 الف).

### 5-2-3- رساله پنجم:

... معلوم دانایان باد که طریق متر سلانه راکاتب کمتر رعایت نموده است و این فتح نامه در عهد سلطان مرحوم غیاث الدین بلبن السلطان در فتح لکهنوتی اول امتحان که قلم از شا خود را کردم و به جهت اشکاف لادری درین تر سل ثبت گردانیدم و از ارباب حضانت متوقع است که بر قلت براعت ورکت عبارت حسن اغماض ارزانی دارند که در عرصه نامبضوط تصرف بیش از این نتوان، اما اگر به تمامی جهد خویش در این نمط مصروف گردانیده شدی غالب آن است که پیشتر بالغان این کار شرمندگی نیاوردی، اما چهار چیز مانع شد، اول آنکه چون متر سلانه طرزی است قدیم و کاتب دعوی ابداع و اختراع می کند به اتباع چگونه رضا دهد؛ دویم آنکه اگر چه دل متابعت تحمل کند چون صاحب کلیله و دمنه و بهای بغدادی داد این طرز داده اند، چنانکه رسیدن به آن نوع دشواری دارد، پس نقصان خویش به اظهار رسانیده باشم؛ سیوم آنکه رسیدن کاتب، نه بنابر قصور طبع و نقصان فضل است، اما خاطر به طرز خویش که از انگیخت لطیفه و دقیقه خالی نتواند بود راغب است (امیر خسرو، 5: برگ 106 الف).

در جمله هایی که، به طور نمونه، از پنج رساله اعجاز خسروی، انتخاب شده، عند صر فعل استخراج و با خط تیره ذیل هر کدام مشخص شده است. در داده های مورد بررسی از پنج رساله، از میان 120 نوع فعل، بدون شمارش بسامد یا تکرار فعل ها، 62 نوع آن فعل ساده؛ 24 فعل مرکب؛ 5 فعل پیشوندی و 5 فعل گروهی (عبارت فعلی) به شرح زیر شناسایی شد:

- نمونه هایی از افعال ساده:

است، کرد، گفت، دارد، بگردد، می ساختند، می پنداشتند، نسازد، گذشت، نداد، بخیزد، گویند، افتد، نشد، بود، دهند، نماید، نیست، گشت، بشناسد، بود، دهد، گردد، دارد، ماند، شود، باد، گردانیدم، نتوان، نیاوردی، باشم، کند، ننموده.

- نمونه های افعال پیشوندی:

بازماند، بازخواند، برچیده، بر بست دارد، دریافته است.

- نمونه هایی از افعال مرکب:

گفتن نتواند، داده است، تواند داشت، روشن کند، ربط می دادند، صرف کند، یافته است، روشن گردد، آراسته گشت، کفایتی بود، بریده شد، چاشنی دهند، خوش آیند، پیدا آید، لاف می زنم، تحریر کرده اند، مرتسم کرد، بیرون کرد، توان گفت، انشا کردم، ارزانی دارد، ثبت گردانیدم، راضی گردد، نمی تواند گذشت، رخصت نمی دهد، بسنده کرد.

- نمونه های افعال گروهی:



می بایند نهاد، می بایند آورد، سواد کرده آمد [سواد کردن = نوشتن، نسخه برداشتن]، به عمل نیاورند، مصروف گردانیده شدی.

بررسی ساختار فعل در این متن بازگویی آن است که ضمن ثبات در کاربرد افعال ساده، گرایش به کاربرد فعل مرکب به تدریج در زبان فارسی رو به افزایش گذاشته و شمار افعال پیشوندی نیز رو به کاهش است. خصلت‌هایی از نثر فارسی خاص دوران مورد بررسی (قرن هفتم و هشتم) در متن‌های شبه قاره نیز مشهود است، نظیر الف\_ حذف فعل به قرینه لفظی مانند:

آنچه در رساله اول نهالی نوخیز بود درین باغ گلبنی بلندگشته است و از باد نطق بشکفته و از هر شعبه مرغی خوش نوا نوای گلبنگ برآورده... [امیرخسر، 1876: 2/ ص 2]

و گاه نیز فعل اسنادی بدون قرینه ای (از کثرت وضوح) حذف شده است مانند:  
...خط دوم در مکتوبات اصحاب مناصب دیوان و کتبه و دیگر اصحاب اشغال مشتمل بر دو حرف؛ حرف اول در مکتوبات اصحاب مناصب دیوان و کتبه مانند مکتوب وزیر و نسبتش از تحریر [امیرخسر، 1876: 2/ ص 40].  
یکی از مختصات صرفی، حذف فعل به قرینه از قرن ششم معمول بود، اما مرسوم بود که فعل را در جمله نخست اثبات کنند و در دیگر جمله‌ها حذف؛ سعدی هم پیرو این سنت بوده است [بهار، 1370: 3/ 136-137]. امیرخسر و نیز در نثر خود تابع و دنباله رویه سعدی بود است، نظیر «...رقعه ماه صیام است و همان نسبت درو. ورد بوستان صیام که در وی غنچه مشکبوی دهان مومن گاه صبح می بندد و هنگام شام می شکفتد [امیرخسر، 4/ برگ 102 ب].  
گاه بین جزیلی فعل مرکب و جزء واژگانی فاصله می افتد. مانند:

در عهد سلطان مرحوم غیاث الدین بلبن السلطان در فتح لکنوتی اول امتحان که قلم انشا خود را کردم [همو، 5/ برگ 106 ب]

ب\_ زبان نثر برخی مکاتبات در اعجاز خسروی ادبی است یعنی کاربرد صنعت‌های ادبی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز از ملزومات آن بود است، که در جای جای متن مشهود است. به سبک پیشینیان نظیر رشیدالدین و طواط و کسانی که در حکم الگوی نویسندگی برای امیرخسر و محسوب می شدند. صنعت‌های ادبی در کلام ملحوظ است، نظیر موضوع تقدیم در جمله زیر:

«لفظی می‌باید آورد متضمن دو معنی و بلک سه و چار هر چه بیشتر بهتر» [امیرخسر، 1876: 1/ 84].

ج\_ از ویژگی‌های نثر این دوره که اعجاز خسروی نیز از آن مستثنا نیست، آمیختگی عبارت‌های فارسی با عربی است، یعنی پس از جمله‌ای به فارسی، جمله و عبارتی به عربی ذکر می شود.  
به طور نمونه آغاز رساله اول، دوم و سوم اعجاز خسروی به ترتیب زیر می آید:  
\_ هذا الكتاب بفضل الله ذي الكرام انشأت سحرا لصيد الجن والنسم..

حرف اول زقلم نسبت یافت نسبت اول زقلم یافت رقم... حمدی که در سواد آن ابداء سر قلم بگردد و ثنائی که در سواد آن خالد ادهان دوات بازماند... [امیرخسرو، 1876: 2-1/1].

- الرساله الثانيه في المرتبات من المكتوبات تشتمل على عشرة خطوط؛ در سواد این رساله گلستان ها بسیارست به گل های گوناگون آراسته یعنی هرنامه گلشنیست تازه‌ترو تحف در وی شاخ در شاخ رفته.. [امیرخسرو، 1876: 2/2].  
-...رب يسرولا تعسر، الرساله الثالثه من رسائل الاعجاز في اللطائف من المصنوعات يشتمل على خطين، خط اول در صنعت های قدیم و تصرف در آنها به رسم جدید بر دوازده حرف [امیرخسرو، 3/ برگ 1 الف].

د- کاربرد اصطلاحات و واژه های عربی در آموزش مکاتبات و در نثر منشیانه، یکی از ویژگی های اصلی گونه زبانی مورد کاربرد آن دوره است. شمار واژه های عربی در متن رسائل نیز نظرگیر است. گفته شده که در موضوع انشا و نامه نگاری امیرخسرو از آثار نویسندهان پی‌شرو و متقدم در این زمینه، یعنی رشیدالدین وطواط که الگوی منشیان شبه قاره بود، پیروی می کرد [محمی الدین، 20-21: 1960]. درباره کاربرد کلمات و عبارت های عربی در متن منشآت رشیدالدین وطواط (نک: تویسرکانی 1338: 109-114). نثر اعجاز خسروی، نثر فنی (ادبی) است و کاربرد واژه ها و ترکیب های فراوان عربی، آیات و احادیث و درموردی اشعار فارسی و عربی از خصلت های بارز این اثر به شمار می آید.

ه- کاربرد صنعت ها و اصطلاحات ادبی و استفاده از گونه ادبی از ملاحظات امیرخسرو بوده است، همانطور که می گوید:  
« معلوم ارباب فضل باد که در این بساط پای ادب می باید نهاد» [امیرخسرو 1876: 83/1].

و- کاربرد عناوین و القاب و جمله های مصنوع در آموزش مکاتبات بسیار است مانند دعاها و عبارت های مجامله ای و پرتعارف مانند نامه ای که در رساله سوم به این ترتیب آمده است:

«ونامه اندر صنعت تجنیس بین- به خدمت افضل فضلاء العصر مستنبط لب المعالی بالعصر بهاء الدین المدینی شرف الشرق الدین مقبول الخواص و العوام مشهور الشهور و الاعوام اکرمه اکرم الاکرمین امین و امین مخلص صادق الاعتقاد بهادر چینی...» [امیرخسرو: 3/ برگ 2 ب].

و درباره آموزش تشبیهات مبالغه در مکتوبات می گوید:

«...مرتبه چون دعای صالحان آسمان گیر، بنیادی چون قول صادقان استوار، مجالستی چون طبیعت جوانمردان مبرشر امید، آوازه چون فکر منجمان فلک پیمای، بذلی چون مباله شعرا پیش از قیاس، بیانی چون عطای پردلان مشبع امل، دوستی چون وظیفه کریمان بی گسست...» [امیرخسرو: 3/ برگ 26 ب].

ز- کاربرد ضمیر وی برای غیر ذیروح مانند

... هرنامه گلشنیست تازه‌ترو تحف در وی شاخ در شاخ رفته.. [امیرخسرو، 1876: 2/2].

که در وی غنچه مشکبوی دهان مومن گاه صبح می بندد [امیرخسرو، 4/ برگ 102 ب].

### 3- نتیجه گیری

در متن فارسی شبه قاره، که به طور نمونه در اینجا /عجاز خسروی مورد بررسی بود، در رفتار صرفی افعال ضمن این که شاهد حفظ و ثبات صورت و ساختار فعل بسیط هستیم، تحول یا گرایشی را در زبان در جهت تشکیل افعال مرکب نیز می‌بینیم. از ویژگی‌های دیگر نثر اعجاز خسروی، با توجه به خصلت‌هایی که در آثار نثر فارسی ایران در دوره مورد بررسی مطرح است، دوزبانگی نثر یا به عبارتی کلام ملمع (فارسی و عربی)، توسل به صنایع و آرایه‌های ادبی از قبیل تلمیح، استشهاد به آیات و احادیث، سجع و کاربرد کلام آهنگین و موزون قابل ذکر است. الگوی نثر گلستان سعدی، الگوی پیش روی امیر خسرو دهلوی، طوطی هند بوده است و در اثنانویسی و منشآت از سبک رشیدالدین و طوطی تبعیت کرده است.

#### فهرست مراجع

1. طباطبایی، علاءالدین (1395ش)، فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
2. توپسرکانی، قاسم (1338)، نامه‌های رشیدالدین و طوطی، تهران: دانشگاه تهران.
3. م‌شایخ فریدنی، محمدحسین (1366): «امیر خسرو دهلوی، طوطی هند»، کیهان فرهنگی، شماره 48، ص 26-31.
4. رستگارفسائی، منصور (1389)، انواع نثر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
5. سمیعی گیلانی، احمد (1388ش)، «سبک»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج سوم، ص 577-84.
6. بهار، محمدتقی (ملک الشعرا) 1369، سبک شناسی، ج 5، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
7. مجتبائی، فتح‌الله (1384)، «ا سلام در شبه قاره»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، جلد اول، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص 399-411.
8. رستگارفسائی، منصور (1389)، انواع نثر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
9. غلامر ضایی، محمد (1388)، «سبک نثر فارسی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص 591-597.
10. نذیراحمد (1384ش)، «امیر خسرو دهلوی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج 1، ص 608-612.
11. روان فرهادی، عبدالغفور (1353ش)، گزیده آثار امیر خسرو بلخی معروف به دهلوی، ج 3، افغانستان: بی نا.
12. م‌شایخ فریدنی، محمدحسین (1366): «امیر خسرو دهلوی، طوطی هند»، کیهان فرهنگی، شماره 48، ص 26-31.

13. مجتبائی، فتح‌الله (1375)، «اردو، زبان»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد هفتم، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص 541-549.
14. م‌شایخ فریدنی، محمد-سین (1366): «امیر خسرو دهلوی، طوطی هند»، کیهان فرهنگی، شماره 48، ص 26-31.
15. نذیراحمد (1384ش)، «امیر خسرو دهلوی»، دانش‌نامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج 1، ص 608-612.
16. نوشاهی، عارف (1391ش)، کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، جلد دوم، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب؛
17. زمانی، آصفه (1993م)، محققین و منتقدین معروف زبان و ادبیات فارسی، هند در قرن بیستم، دهلی نو: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
18. روان فرهادی، عبدالغفور (1353ش)، گزیده آثار امیر خسرو بلخی معروف به دهلوی، ج 3، افغانستان: بی نا.
19. سجادی، صادق و نذیراحمد (1384ش)، «اعجاز خسروی»، دانش‌نامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج 1، ص 460-462.
- 20.
21. Mohiuddin. Momin (1971), *The Chancellery and Persian Epistolography under the Mughals*. Calcutta, Iran Society.
22. م‌شایخ فریدنی، محمد-سین (1366): «امیر خسرو دهلوی، طوطی هند»، کیهان فرهنگی، شماره 48، ص 26-31.
23. امیر خسرو دهلوی (1876م)، اعجاز خسرو، جلد 1 و 2، لکهنو: مطبع نولکشور.
24. همان.
25. همان.
22. امیر خسرو دهلوی نسخه خطی (رساله های 324 و 5)، شماره ثبت 87288، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
23. امیر خسرو دهلوی (1876م)، اعجاز خسرو، جلد 1 و 2، لکهنو: مطبع نولکشور. 2.
24. امیر خسرو دهلوی نسخه خطی (رساله های 324 و 5)، شماره ثبت 87288، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
25. همان.
26. همان.
27. امیر خسرو دهلوی (1876م)، اعجاز خسرو، جلد 1 و 2، لکهنو: مطبع نولکشور. 2.
28. همان.
28. امیر خسرو دهلوی نسخه خطی (رساله های 324 و 5)، شماره ثبت 87288، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
29. همان.

30. امیر خسرو دهلوی ( 1876م)، *اعجاز خسرو*، جلد 1 و 2، لکهنو: مطبع نولکشور. 2.
31. بهار، محمدتقی (ملک الشعرا) 1369، *سبک شناسی*، چ 5، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
32. امیر خسرو دهلوی نسخه خطی (رساله های 3425)، شماره ثبت 87288، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
33. امیر خسرو دهلوی ( 1876م)، *اعجاز خسرو*، جلد 1 و 2، لکهنو: مطبع نولکشور. 2.
34. همان.
35. امیر خسرو دهلوی نسخه خطی (رساله های 3425)، شماره ثبت 87288، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
36. Mohiuddin. Momin (1971), *The Chancellery and Persian Epistology under the Mughals*. Calcutta, Iran Society.
37. تویسرکانی، قاسم (1338)، *نامه های رشیدالدین وطواط*، تهران: دانشگاه تهران.
38. رستگار فسایی، منصور ( 1389)، *انواع نثر فارسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
39. امیر خسرو دهلوی نسخه خطی (رساله های 3425)، شماره ثبت 87288، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
40. امیر خسرو دهلوی ( 1876م)، *اعجاز خسرو*، جلد 1 و 2، لکهنو: مطبع نولکشور. 2.
41. امیر خسرو دهلوی نسخه خطی (رساله های 3425)، شماره ثبت 87288، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.